

اشک؛ نازنیا!

قم (پانا) - ارتباط با خداوند متعال و خضوع و بندگی با چشم های اشک بار رشد و تعالی انسان را بدنبال دارد.

برای ایجاد ارتباط و راز و نیاز با خدای سبحان و کسب فضایل نفسانیه؛ هر یک از اعضای بدن انسان وظیفه و نقشی را برعهده دارند.

به عنوان نمونه با دراز کردن دست به طرف آسمان؛ کوچکی و ذلت خود را اعلام و اعتراف می کنیم. با زبان، خواندن را انجام می دهیم، با پیشانی بر خاک گذاشتن، بندگی را و با چشم هایمان، اشک می ریزیم و شرمندگی خود را به معبود می رسانیم. همان طور که در رفتار و گفتار آمده و پیشوایان دینی علیهم السلام آمده است، اگرچه گریه و اشک ریختن به خاطر خوف از خدای (عزوجل) بنده ای که می گرید پیش کسی می گرید که می داند همه چیز دارد و می تواند خواسته هایش را برآورده سازد و هم او را چنان می شناسد که آبرو و احترامش را حفظ می کند و می داند که نزد او عزیز است و او را هر چه باشد از کنار سفره ی گسترده اش دور نمی کند و بارها می گوید: ایایک نعبد و ایایک نستعین. پس اشک بنده در برابر معبود مروارید عشق و رزی در طریق عبودیت و نازنیا است.

چشم، دریچه عبور قلب است و به جا آوردن حق آن شکر این نعمت بزرگ می باشد. گریستن نوعی شکرگزاری محسوب است. هر چیزی در این عالم دارای وزن و قیمتی است، مگر اشکی که از خشیت و خوف خداوند ریخته شود. زیرا یک قطره آن گویی کوه هایی از آتش غضب الهی را خاموش می کند و چون اشک تمام چشم را فرا گیرد، گرد خواری و ذلت بر آن چهره ننشیند، چون روی چهره جاری گردد خداوند آن را بر آتش حرام سازد و چنانچه فردی در امتی از روی خشیت گریه کند همگی مورد رحمت الهی واقع شوند.

امام صادق (علیه السلام) از قول پدر بزرگوارش می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خوشا به حال آن چهره ای که خداوند آن را گریان ببیند به آن گناهی که جز خدا، کسی بر آن آگاه نباشد و تنها برای ترس از خدا باشد. در حدیث دیگری حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: کسی که از ترس خدا چشم هایش گریان شود، به هر قطره اشک او در بهشت قصری مزین به در و گوهر به او عنایت شود، که هیچ چشمی ندیده باشد و به قلب کسی خطور نکرده باشد و یا می فرماید: هیچ چیز نیست مگر آن که برای آن معادلی است، مگر خداوند که هیچ چیز معادل او نیست و لاله الا لله، که معادله نکند با آن چیزی و قطره اشکی از ترس خدا، که هم میزان آن چیزی نیست. و در حدیث است انسانی که از کثرت گناه فاصله بین او و بین بهشت بیشتر است از بین زمین تا عرش. پس هرگاه گریه کند از خوف خدا، در صورتی که از آنها پشیمان شده است، ما بین او و بین بهشت نزدیک نشود مثل مژگان چشم به چشم.

و چشمی که با خضوع و خشوع از خوف خدا گریه کند آتش دوزخ رانمی بیند! حضرت علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران می فرماید: اعینهم باکینه؛ دیدگانش گریان است. و در خطبه ۱۷۶ بشارت می دهد و می فرماید: خوشا به حال کسی که به خطاهای خویش بگرید.

اسوه بکائین و زینت عابدین حضرت امام سجاد علیه السلام از خدای متعال برای گریستن در خواست کمک می کند و می فرماید: اعنی بالبکاء علی نفسی؛ خدایا مرا به گریه به حال خود یاری کن. و این زنگ بیداری است که ما نیز در این راه یاری او را طلب کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) در بیان علت خوف از حق تعالی می فرماید: این خوف، علاوه بر آن که خود یکی از کمالات معنویه است، منشا بسیاری از فضایل نفسانیه و یکی از مصلحات مهمه نفس است؛ بلکه سرچشمه تمام اصلاحات و مبدا علاج جمیع امراض روحانی، می توان آن را شمرد. و انسان مومن به خدا و مالک و مهاجر الی الله باید به این منزل خیلی اهمیت دهد و به چیزی که آن را در دل زیاد کند و ریشه آن را در قلب محکم کند، خیلی توجه نماید. حساب و عذاب های گوناگون جهنم و تذکر عظمت جلال و قهر و سلطنت حق! .

فخر ساجدین حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در دعایی که ابو حمزه ثمالی از آن حضرت نقل کرده است در خصوص علت گریه کردن می فرماید: چرا نگریم، که نمی دانم مسیرم تا کجاست و به کجا می روم و اکنون می بینم که نفس با من خدعه می کند و روزگار با من مکر می ورزد، در حالی که بال های مرگ بر سرم گشوده است؛ فما لابیکی؛ پس چرا نگریم بر آن

حالتی که روح از بدن جدا می شود و لحظه مردن است. می گریم به خاطر تاریکی قبرم، می گریم به خاطر تنگی جایم، می گریم به خاطر سوال منکر و نکیر، می گریم به خاطر روزی که از قبر خارج می شوم، در حالی که عریان و ذلیل هستم! با فرازی از دعای کمیل نوشتار را پایان می بریم: «رحم من راس ماله الرجاء و سلاحه البكاء؛ خدا یا، تو رحم کن بر کسی که تمام سرمایه اش امید به توست و اسلحه او اشک چشم گریان است.» از خداوند متعال توفیق سحرخیزی، شب زنده داری، تلاوت قرآن کریم و برپایی نماز را همراه با دعا و آه و اشک ندامت و امیدواری با توبه و استغفار خواستاریم. آمین یا رب العالمین .